

خلاصه درس ۱۴ جامعه شناسی یازدهم انسانی

« انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطف بیداری اسلامی »

با این خلاصه، نکات درس ۱۴ جامعه شناسی یازدهم انسانی را به خوبی بیاموزید.

۱- انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت قاجار به وجود آوردند. هم‌مانند جنبش تنباکو و جنبش عدالتخانه.

تعامل عالمان شیعی با حکومت قاجار بر مدار مقاومت منفی بود.

در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع بوده و همکاری سیاسی با آن، جز در حد واجبات نظامیه انجام نمی‌شود.

منظور از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای اصل زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی.

با روی آوردن دولتمردان قاجار به برقراری قراردادهای استعماری در برابر بیگانگان، مقاومت منفی به سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر جهت داد.

منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.

جنبش تنباکو نمونه‌ای از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی در جهت اصلاح رفتار حاکمان قاجار توسط عالمان دینی بود.

تجربه موفق جنبش تنباکو، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به سوی اصلاح ساختار برد که این امر به جنبش عدالتخانه منجر گردید.

هدف جنبش عدالتخانه: تنها اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود، بلکه اصلاح شیوه زمامداری شاه

بود.

جنبش عدالتخانه، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل ساخت.

در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، حاکمیت بر مدار عدالت، حاکمیت آرمانی نبود، بلکه فساد آن از استبداد کمتر بود و ظلم را کنترل می کرد و چون تحقق حاکمیت آرمانی و مشروع، وجود نداشت، پذیرش آن ممکن بود.

جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می داد، یک انقلاب اجتماعی بود.

با اوج گیری جنبش عدالتخانه، منورالفکران غرب زده به آن پیوستند و در جریان بست نشینی در سفارتخانه انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند.

معنای مشروطه در نظر عالمان دینی، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منظور منورالفکران از مشروطه نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان بود.

مجلس از نظر منورالفکران مشروطه خواه، محلی بود که در آن، قوانین براساس اراده و خواست بشر نه براساس احکام شریعت تنظیم می شد.

درگیری و نزاع بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب زده، با پیروزی جریان منورالفکران با حمایت

قدرت های استعماری و دخالت انگلستان پایان گرفت و حاکمیت منورالفکران در ایران به استبداد

استعماری رضاخان ختم شد.

www.my-dars.ir

نمونه تاریخی	ویژگی	فعالیت اجتماعی - سیاسی
تدوین رساله‌های جهادیه	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	مقاومت منفی
جنبش تنباکو	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	فعالیت رقابت آمیز اصلاحی
جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه	تغییر ساختار سیاسی	انقلاب اجتماعی

مقاومت منفی ← فعالیت رقابت آمیز اصلاحی ← انقلاب مشروطه ← حاکمیت استبداد استعماری

رضاخان

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است.

انسان به دلیل این که کارهای خود را با علم و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است.

قدرت فردی: محدود بوده و نمی تواند انسان همه نیازهای خود را به

تنهایی بر آورده کند و به کمک دیگران نیاز دارد.

تأثیرگذاری انسان بر اراده دیگران برای رسیدن

به اهداف خود

قدرت انسان

قدرت اجتماعی

هرچه میزان تأثیرگذاری بر دیگران بیش تر باشد

قدرت اجتماعی بیش تر است.

قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید.

تنها راه تأثیرگذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی آن ها، جلب تبعیت

آن ها است.

تبعیت با کراهت: ناشی از تهدید و ترس

شیوه های جلب تبعیت تبعیت با رضایت: ناشی از رضایت و میل درونی

قدرت مقبول و مشروع: قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با

رضایت طرف مقابل و براساس شریعت و موافق حکم خداوند است.

انواع قدرت قدرت مقبول غیر مشروع: قدرتی که بدون تهدید و با رضایت

طرف مقابل است ولی بر خلاف قانون الهی باشد.

www.my-dars.ir

قدرت غیر مقبول مشروع: قدرتی که بدون رضایت و همراه با

تهدید طرف مقابل است ولی بر اساس شریعت و موافق حکم خداوند است.

قدرت غیر مقبول غیر مشروع: قدرتی که بدون رضایت و همراه با تهدید طرف مقابل است و خلاف قانون الهی می باشد.

در یک جامعه دینی قدرت نامشروع نمی تواند مقبولیت داشته باشد.

هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد.

سیاست پدید می آید یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته

برای دستیابی به هدف است.

سیاست و نظام سیاسی

مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست های جهان

اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد.

۲- انقلاب اسلامی

رهبران دینی بعد از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. که در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت.

امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت آمیز بازگرداند که با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد و به صورت یک حرکت انقلابی برای حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی درآمد.

مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را بر کسانی تحمیل می کرد که با معیارهای الهی به قدرت

نرسیده بودند.

مشروطه با این که در اندیشه اجتماعی و سیاسی تشیع، یک نظام آرمانی و مشروع نبود، در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی ممکن به نظر نمی‌رسید، در مقایسه با نظام استبدادی ترجیح داده شد. انقلاب اسلامی ایران حاصل صد سال تجربه تاریخی، رقابت با منورالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی بود که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

۳- مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش

الف) شباهت‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است.

شباهت انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش:

۱- هر دو جهت‌گیری ضد استعماری داشتند.

۲- هر دو در جهت از بین بردن سلطه سیاسی کشورهای غربی بودند.

ب) تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش

۱- انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با بلوک غرب از حمایت بلوک شرق برخوردار بودند. در صورتی که انقلاب اسلامی در مقابله با بلوک غرب نه تنها به بلوک شرق وابسته نبود بلکه موضع‌گیری ضد مارکسیستی داشت و شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» مویدهمین مساله است.

۲- انقلاب‌های آزادی‌بخش اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. اما انقلاب اسلامی حرکت یک گروه یا حزب خاص نبود بلکه یک انقلاب فراگیر مردمی بود.

۳- انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتبی (سوسیالیستی، مارکسیستی و کمونیستی) شکل می‌گرفتند که برای حل مسائل و بحران‌های جهان غرب به وجود آمده بودند و از نوع نظریه‌های چپ محسوب می‌شدند در حالی که انقلاب اسلامی از متن عقاید و باورهای اسلامی مردم و براساس

آموزه‌های فقهی و هستی‌شناسی توحیدی شکل گرفت.

۴- انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند به همین جهت استعمار در شکل استعمار نو دوباره باز می‌گشت اما انقلاب اسلامی تنها یک انقلاب سیاسی نبود، بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت و یک قطب‌بندی جدید فرهنگی از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب به وجود آورد که در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

مای دارس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir